

غزل شماره ۳۶۰

گر از این مترل ویران به سوی خانه روم
دگر آن جا که روم عاقل و فرزانه روم

زین سفر که به سلامت به وطن باز رسم
تذکر دم که هم از راه به میخانه روم

تا بگویم که چه کشتم شد از این سیر و سلوک
به در صومعه با بربط و پمانه روم

اشتیان ره عشق گرم خون بخورند
ناکسم گر به شکایت سوی بیکانه روم

بعد از این دست من و زلف چو زنجیرگار
چند و چند از پی کام دل دیوانه روم

گر بینم خم ابروی چو محرابش باز
سجده شکر کنم و از پی شکرانه روم

نرم آن دم که چو حافظ به تولای وزیر
سرخوش از میکده بادوست به کاشانه روم

تفسیر فال

روزگار، با تغییر چهره‌ای غیرمنتظره و دشوار که به خود گرفته بود، اکنون روی خوش خود را به شما نشان می‌دهد و نویدبخش روزهای بهتر است. شما در طول زندگی پر فراز و نشیب خود، تجربیات گرانبهایی را کسب کرده‌اید که هر یک به نوعی در شکل‌گیری شخصیت و خرد شما تأثیرگذار بوده‌اند. اکنون در جستجوی چیزی با ارزش هستید، چیزی که بتواند زندگی‌تان را غنا ببخشد و آن را به دست می‌آورید. تجربه‌های تلخی که از آشنایان یا نزدیکان خود دیده‌اید، درس‌های قابل توجهی برای شما داشته است؛ درس‌هایی که نه تنها باعث افزایش آگاهی شما شده بلکه موجب رشد روحی و فکری‌تان نیز گردیده‌اند. حالا با شکستن زنجیرهای محدودیت‌ها و رها شدن از قیدوبندهای گذشته، فرصتی طلایی برای تلاش بیشتر جهت رسیدن به آرزوهایتان پیش روی شما قرار دارد. این آزادی تازه نه تنها امکان تحقق اهداف شخصی‌تان را فراهم می‌آورد، بلکه فرصتی است تا شکر نعمت‌های خداوند را بجا آورده و از الطاف او سپاسگزاری کنید.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)